

● **همان‌طور که گفتید جمع‌آوری اسناد برای ثبت در تاریخ یکی از کارکردهای مستندسازی است؛ اما آیا مستندساز باید متأثر از زمانه خودش باشد یا جلوتر از زمانش گام بردارد؟**

مستندساز باید جلوتر از جامعه خودش باشد. به اصطلاح گیرنده‌های مستندسازها باید بسیار قوی و حساس باشد. موفقیت مستندساز در رسانه‌ای کردن مسائل و موضوعاتی است که جامعه بعدها به آن می‌رسد. او باید آن مسائل را در جامعه مطرح کند. مثلاً یکی از مستندسازها با هزینه شخصی‌اش مستندی درباره ترکیه و استانبول ساخته بود. مسئولان رسانه خیلی از کار او استقبال نکردند. گمان می‌کردند کار بیهوده‌ای است. تا اینکه زمان گذشت و در ترکیه کودتا شد. همه شبکه‌های تلویزیونی به دنبال پخش آن مستند بودند. مسائل داخلی هم به همین شکل است. برخی مسئولان رسانه ضرورت مستندسازی درباره موضوعات داخلی را درک نمی‌کنند. اما بعد از اینکه اتفاق می‌افتد همه دنبال مستندی هستند که تا دیروز به آن اهمیت نمی‌دادند. این مستندساز است که باید با هوشمندی و درایت جلوتر از زمان خودش باشد. روزی همه

متوجه ارزش کاری که انجام داده خواهند شد. مثلاً محمدحسین جعفریان می‌گفت زمانی که برای ساخت مستند درباره احمدشاه مسعود به افغانستان رفت هیچ فردی اقبالی به کار او نشان نداد تا اینکه احمدشاه مسعود به شهادت رسید. می‌گفت حتی از شبکه‌های خارجی به منزل او مراجعه کردند تا آن مستند را برای پخش از او بگیرند.

● **حال یک مستندساز در موضوع اربعین چطور می‌تواند پیشگام باشد؟**

در موضوع اربعین کمتر کسی فکر می‌کرد اتفاقی این چنین بیفتد. خود من واقعا بهت‌زده شده‌ام از اینکه توفیق زیارت از ما گرفته شده است. شاید مسئله‌ای شبیه به کرونا که همه جهان را دربر گرفته در قرن گذشته بی‌سابقه باشد. اما می‌شود به همین موضوع با نگاهی متفاوت پرداخت. افراد زیادی هستند که سعی می‌کنند زیارت اربعین را با انجام کارهای خیر و نیکو برای خود احیا کنند. می‌شود درباره آن‌ها مستندهای جذابی تولید کرد.

● **آسیب‌های جدی که مستندسازی اربعین یا موضوعات دیگری از این دست را دربرگرفته است کدام‌اند؟**

الان فیلم‌سازی ارزان شده است. جوان‌ترها گمان

می‌کند همین که دوربین را بردند میان واقعه و چند پلان ثبت کردند فیلم مستند ساخته‌اند. در حالی که مستند چهارچوب خاص خودش را دارد. تنها ضبط تصویر کافی نیست. مستندساز در مستندسازی اربعین باید نگاه منحصر به‌خودش را داشته باشد. در غیر این‌صورت مستندش فیلمی یادگاری و توریستی از آب در می‌آید. سالیانه صدها فیلم تولید می‌شود که اغلب آن‌ها بدون نگاه و بدون داستان هستند و فقط تصویربرداری و تدوین شده‌اند. این آسیب جدی است که مستندسازی در این حوزه را دربرگرفته است. البته باید بگویم کیفیت آثار نیز در حوزه‌های مختلف همانند اربعین زیاد شده است. اما چون کمیت آن‌ها نیز افزوده شده رقابت میان آثار باکیفیت تنگاتنگ است و تعدد آثار باعث شده فیلم‌های مستند با کیفیت محدود باشد. فیلم ساختن درباره موضوعی که در آن آثار زیاد است نیز کار دشواری است. مستندساز اگر درباره موضوعات ناب فیلم بسازد یک گام جلوتر است. حتی اگر فیلمش از نظر فنی دارای ایرادی جزئی باشد هم به دلیل موضوعش می‌شود چشم‌پوشی کرد. تعدد آثار در این حوزه به اندازه‌ای زیاد است که تنها آثاری دیده می‌شوند که کیفیت خوبی از نظر پرداخت به موضوع داشته باشند.

به همین دلیل من تاکنون درباره اربعین فیلم نساخته‌ام. چون باید آن ایده ناب و خوبی که به دنبالش هستم را پیدا کنم و سپس دست به دوربین شوم. مستندسازهایی داریم که درباره اربعین مستندهای فاخر ساخته‌اند اما آن‌ها در همان سفر نخست دست به دوربین نشده‌اند. چندین بار به پیاده‌روی اربعین رفته‌اند تا بالأخره به موضوعی که می‌خواست‌اند دست یافته و آن را تصویربرداری کرده‌اند.

● **آیا صداوسیما و جشنواره‌های مناسبی در کاهش کیفیت آثار مقصر نیستند؟**

به نظر من تلویزیون و حتی جشنواره‌ها نیز به دنبال آثار باکیفیت هستند. مثلاً پارسال فراخوانی به منظور ارسال اثر برای پخش از شبکه‌های سیما منتشر شد و تعداد درخور توجهی فیلم مستند به صداوسیما ارسال شد اما آثار باکیفیت و متفاوت پخش شدند.

البته صداوسیما نه تنها در بودجه محدودیت دارد که در اختصاص دادن زمان پخش به مستند هم محدودیت‌ها. این محدودیت‌ها همه باعث می‌شود تا آثاری را خریداری و پخش کند که کیفیت بهتری داشته باشند.



سال ۹۰ منتشر شد. ترجمه این کتاب هم گره می‌خورد به اولین گفت‌وگو‌ی من که در روزنامه چاپ شد. من به کتابی شامل مجموعه‌ای از سرگذشت تازه مسلمانان -اشارات انصاریان- رسیدم، اما خبر نداشتم گردآورنده این کتاب، زینب ترمر است. به دلیل آشنایی که پیش تر با او داشتم، تماس و اجازه گرفتم که کتابش را از انگلیسی به فارسی ترجمه کنم. این کتاب، مجموعه‌ای شامل چهل، پنجاه سرگذشت از تازمسلمانان است که بعداً ازاینکه زینب ترمر، مسلمان می‌شود آن‌ها را گردآوری می‌کند.او در کتابش بیان کرده مستندات مربوط به سرگذشت این افراد موجود است. ● **چه بازخوردهایی از نخستین ترجمه‌تان گرفتید؟**

بااینکه کتاب توزیع منسجمی نداشت و آن زمان هنوز به بی‌تجربه بودم و رسانه‌های امروزی در دسترس نبود، بازهم بازخورد خوبی داشت. یک نمونه از بازخوردها در ذهنم مانده که اگر ترجمهام همین تأثیر را داشته باشد برای من کافی است؛ نشانی ایمیل خانم ترمر را در کتاب قید کرده بودم. بعد از مدتی از خانم زینب ترمر، گردآورنده کتاب، ایمیلی به دستم رسید که شرح داده بود خانمی ایرانی از اصفهان برای او ایمیل فرستاده و گفته این کتاب را از مشهد خریدم و زمان برگشت به اصفهان، در فرودگاه خواندم و بر اثر خواندن کتاب، باحجاب شدم.

● **بعد از ترجمه «احقرای برای کانگستر» آیا کتاب دیگری هم در دست انتشار دارد؟**

یک کتاب دیگر دارم که در مرحله نهایی است. این کتاب را پروفیسور توماس مک‌الوین، کشیش شیعه شده آمریکایی تهیه است. او فقط با همان تورات و انجیلی که خوانده به دستم رسید که شرح داده بود خانمی ایرانی از اصفهان برای او ایمیل فرستاده و گفته این کتاب را از مشهد خریدم و زمان برگشت به اصفهان، در فرودگاه خواندم و بر اثر خواندن کتاب، باحجاب شدم.

ندری نور...

درباره نقاشی «عبدالحمید قدیریان» و بازخوانی یک خاطره



امیرمنصوررحیمیان

سید ابراهیم همسایه ما بود. یک مغازه باتری‌سازی کوچک داشت و آدم با عشقی بود. یک تابلو نقاشی بزرگ با موضوع اربعین هم داشت که قاب گرفته بود و روی دیوار مغازه‌اش نصب کرده بود. محرم‌هاسایه‌ی می‌زده در و دیوار مغازه‌اش بود. انگار از اینکه نمی‌توانست محرم را ببیند، از اینکه دیگر مهلتش داشت تمام می‌شد و نمی‌توانست مثل اربعین هر سال، پیاده‌برود حرم آقامی سوخت. وقتی برای بار آخر به عبادتش رفتم، غروب یک چهارشنبه بود. سید دراز کشیده بود و چشمانش را بسته بود. کنارش که نشستم بی‌مقدمه با چشم بسته صدای ضعیفی گفت: «چند روز دیگه تا محرم مونه؟» داشت حساب و کتاب می‌کرد و می‌خواست بگویم هنوز خیلی مانده تا محرم و آن‌شاء... حالت خوب می‌شود و به زیارت می‌روی و از این‌طور حرف‌ها. که گفت: «می‌دونی دور برم پر از آدمه. هر کدوم هم پیاله‌ای تو دستشون دارند. آدم‌هایی که منتظرن، تا جدم پرشون کنه. عجب بوی خوبی هم داره. همه جاصادی سنج و دمام میاد. جدم رو هم می‌بینم که نشسته بالا و یکی یکی پیاله‌هارو پر از نور می‌کنه. گفتم که میاد. گفتم که سرباز پیاده‌اش رو هم فراموش نمی‌کنه. محرم تو دل منه.» بعد از گوشه چشم بسته‌اش شک غلت خورد روی گونه‌های استخوانی‌اش. بی‌روصدا بلند شدم و آمدم بیرون. آسمان سرخ شده بود و چند خط پررنگ نور، ابرهای قرمز را پاره کرده بود. انگار کسی داشت نور نداری می‌داد.

مرور این داستان بهانه‌ای شد تا یاد آن تابلو نصب شده در مغازه سید ابراهیم در ذهنم تداعی شود. نامش «هر کن پیاله‌را!» بود. اثر عبدالحمید قدیریان که سال ۱۳۳۹ در تهران متولد شد او بنا به علاقه خود به نقاشی در سال ۱۳۵۷ وارد دانشکده هنرهای زیبا (دانشگاه تهران) شد. او سال ۱۳۸۰ مدرک فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) خود را در رشته نقاشی از دانشکده هنر دریافت کرد و در سال ۱۳۸۹ موفق به کسب گواهی درجه یک هنری در رشته طراحی صحنه و لباس از وزارت ارشاد اسلامی شد. او از سال ۱۳۶۰ به عنوان نقاش فعالیت حرفه‌ای خویش را آغاز و بعد از آن در سال ۱۳۶۵ فعالیت سینمایی «فیلم به‌نامهای «گذرگاه» به عنوان گریمر شروع کرد. قدیریان در سال ۱۳۶۶ با فیلم سینمایی «هراس» در عرصه طراحی صحنه و لباس مشغول به کار شد که آثار متعددی را نیز تا به امروز طراحی کرده است. قدیریان در طول فعالیت‌های خود موفق به اخذ جوایز متعددی از جشنواره‌های مختلف شده است. او تا کنون در بیش از ۴۰ نمایشگاه گروهی نقاشی شرکت داشته است و بر گزاری دو نمایشگاه انفرادی نقاشی و مجسمه را هم در کارنامه پر بار خویش دارد.

بودم، می‌گفتم کسانی که زبان مادری‌شان انگلیسی است باید ببینم چه واکنشی نشان می‌دهند. تا اینکه گروهی از مسلمانان و تازمسلمانان غرب (امریکا و استرالیا و کانادا) سه، چهار سال پیش در ماه رمضان به مشهد آمدند. در شب بیست‌سوم ماه رمضان در حرم برنامه‌ای داشتند. بعد از مراسم دعا، چند لحظه‌ای میکروفون را به من دادند. منم دیدم برنامه‌ای‌ها کامل ا اجرا شده فقط روضه ندارد! آنجا تنها یک مصرع فارسی در باره حضرت علی اصغر (ع) خواندم و به زبان انگلیسی ترجمه کردم. قبلش هم مقدمه‌ای کوتاه درباره شب قدر گفتم. صحبت‌های من حال معنوی جمع را تغییر داد و بازخورد مثبتی دریافت کردم.

● **پس شروع روضه‌خوانی شما به زبان انگلیسی از آن جلسه آغاز شد؟**

بله. بعد از آن سال ۹۶ هیئتی در تهران راه‌اندازی کردند به نام هیئت انگلیسی‌زبانان مقیم تهران (امت). در آنجا اولین بار روضه‌ای کامل به زبان انگلیسی خواندم و خداشکر بازخوردهای خوبی داشت. دو سال بعد نیز همان هیئت در محرم جلسه داشت که نوحه و سینه‌زنی و روضه به زبان انگلیسی را اجرا کردم. امسال به دلیل کرونا اجرا نشد. اما امسال اتفاق جدیدی رقم خورد و برای اولین بار برای تازمسلمانان، روضه و نوحه آنالاین در دهه اول محرم اجرا کردم. شبها ساعت ۲۳ برای اروپا در اینستاگرام، ۴ بامداد برای بوستون – مرکز ایالت ماساچوست آمریکا – (شرق آمریکا) در نرم‌افزار زوم و ۸ صبح برای غرب آمریکا در یوتیوب.

● **استقبال از این برنامه خوب بود؟**

راضی‌ام. من ویدئوهای مربوط به مداحی‌های خودم را در کانال‌م نیز منتشر می‌کردم. یک شب، خانمی ایرانی که همسرش تازمسلمان شده است به من پیام داد و گفت همسرش اهل آفریقای جنوبی است و هر شب مداحی‌ها را گوش می‌کند. همسرش «سلمان حسن حسین» هم

است. به ظاهر همه چیزهای مهم زندگی‌اش را یکی یکی رها کرده بود. به همان ترتیبی که قبلا عرض کردم، ولی از یک چیز دست برنمی‌داشت. می‌دیدم که غصه‌ای دارد و را از درون خرد می‌کند. او یک درد دیگر غیر از سرطان داشت که روحش را می‌جوید. چشمانش غمگین و گودرفته بود و با هر نفسش آتش از سینه‌اش بیرون می‌زد. داغش مثل داغ هجران بود. انگار از اینکه نمی‌توانست محرم را ببیند، از اینکه دیگر مهلتش داشت تمام می‌شد و نمی‌توانست مثل اربعین هر سال، پیاده‌برود حرم آقامی سوخت. وقتی برای بار آخر به عبادتش رفتم، غروب یک چهارشنبه بود. سید دراز کشیده بود و چشمانش را بسته بود. کنارش که نشستم بی‌مقدمه با چشم بسته صدای ضعیفی گفت: «چند روز دیگه تا محرم مونه؟» داشت حساب و کتاب می‌کرد و می‌خواست بگویم هنوز خیلی مانده تا محرم و آن‌شاء... حالت خوب می‌شود و به زیارت می‌روی و از این‌طور حرف‌ها. که گفت: «می‌دونی دور برم پر از آدمه. هر کدوم هم پیاله‌ای تو دستشون دارند. آدم‌هایی که منتظرن، تا جدم پرشون کنه. عجب بوی خوبی هم داره. همه جاصادی سنج و دمام میاد. جدم رو هم می‌بینم که نشسته بالا و یکی یکی پیاله‌هارو پر از نور می‌کنه. گفتم که میاد. گفتم که سرباز پیاده‌اش رو هم فراموش نمی‌کنه. محرم تو دل منه.» بعد از گوشه چشم بسته‌اش شک غلت خورد روی گونه‌های استخوانی‌اش. بی‌روصدا بلند شدم و آمدم بیرون. آسمان سرخ شده بود و چند خط پررنگ نور، ابرهای قرمز را پاره کرده بود. انگار کسی داشت نور نداری می‌داد.

مرور این داستان بهانه‌ای شد تا یاد آن تابلو نصب شده در مغازه سید ابراهیم در ذهنم تداعی شود. نامش «هر کن پیاله‌را!» بود. اثر عبدالحمید قدیریان که سال ۱۳۳۹ در تهران متولد شد او بنا به علاقه خود به نقاشی در سال ۱۳۵۷ وارد دانشکده هنرهای زیبا (دانشگاه تهران) شد. او سال ۱۳۸۰ مدرک فوق لیسانس (کارشناسی ارشد) خود را در رشته نقاشی از دانشکده هنر دریافت کرد و در سال ۱۳۸۹ موفق به کسب گواهی درجه یک هنری در رشته طراحی صحنه و لباس از وزارت ارشاد اسلامی شد. او از سال ۱۳۶۰ به عنوان نقاش فعالیت حرفه‌ای خویش را آغاز و بعد از آن در سال ۱۳۶۵ فعالیت سینمایی «فیلم به‌نامهای «گذرگاه» به عنوان گریمر شروع کرد. قدیریان در سال ۱۳۶۶ با فیلم سینمایی «هراس» در عرصه طراحی صحنه و لباس مشغول به کار شد که آثار متعددی را نیز تا به امروز طراحی کرده است. قدیریان در طول فعالیت‌های خود موفق به اخذ جوایز متعددی از جشنواره‌های مختلف شده است. او تا کنون در بیش از ۴۰ نمایشگاه گروهی نقاشی شرکت داشته است و بر گزاری دو نمایشگاه انفرادی نقاشی و مجسمه را هم در کارنامه پر بار خویش دارد.

جداگانه پیام داد و از کارم تشکر کرد و درخواستش این بود که بازهم از این مداحی‌ها تپه‌ی کنم. ● **با معاشرت‌هایی که با تازه‌مسلمانان داشته‌اید، خاطره‌ای به یاد می‌آورید؟** از اربعین یک خاطره دارم. پارسال به پیاده‌روی اربعین شرف داشتم. در مسیر نجف کربلا به یک موبک بین‌المللی رسیدیم که ایرانی‌ها گردانده‌اش بودند. فکر می‌کنم ستون ۱۲۰۰ یا ۱۱۰۰ زائران کشورهای مختلف به آن موبک می‌آمدند و در آنجا استراحت می‌کردند. من قبل از ظهر در موبک، به زبان انگلیسی مداحی کردم. ظهر همان روز، یک آقای تازمسلمان کانادایی را آنجا دیدم، مشکلی برایش پیش آمده بود و چند ساعتی در آن موبک مانده بود. نماز خواندنش توجه من و دوستانم را به خود جلب کرده بود؛ برای سجده، مهر نگذاشته بود ولی با دستان باز نماز می‌خواند. نمازش که تمام شد، دوستان گفتند بهتر است توضیح لازم را به او بدهیم. وقتی از او علت را پرسیدم، گفت می‌دانم، اما هنوز در مرحله تحقیق هستم و صدرصد مطمئن نشده‌ام. شروع به صحبت کردم. گفتم من مداحی می‌کنم و شعر می‌سرایم. او هم گفت شاعر است و چند نمونه از شعرهایش را نشانم داد. من خواستم شعرهایم را ویرایش کنم. یکی از شعرهایی که نشان دادم؛ ترجمه شعر معروف است که در روز عاشورا می‌خوانیم: گلی گم کرده‌ام می‌جویم اورا به هر گل می‌رسم می‌بویم اورا یکی من یک‌نشانی‌در بدن داشت شکر می‌پراهن کهنه به تن داشت تا رسید به پیراهن کهنه، من توضیح دادم منظور شاعر، لحظه وداع امام حسین (ع) است و توضیحات لازم را دادم. در آن دقایق درواقع داشتم روضه را به زبان انگلیسی توضیح می‌دادم. اینکه توانستم توضیحات کاملی به او بدهم و از او کمک بگیرم خیلی برایم ارزشمند بود.

جلوی قاچاق فیلم‌های سینمایی را بگیرد

دبیر کارگروه مبارزه با سرقت و قاچاق فیلم‌های سینمایی از راینرزی با مدیران تلگرام برای تسریع در روند بسته شدن کانال‌های متخلف خبر داد. محمد احمدی در گفت‌وگو با خبرگزاری هنر ایران درباره اقدامات انجام شده از سوی این کارگروه برای مبارزه با قاچاق فیلم بیان کرد: هماهنگی‌هایی با مدیران تلگرام در خارج از کشور داشتیم تا اگر چنانچه کانالی فیلمی را غیرقانونی برای دانلود ارائه کرد، صاحب آن یا کسی که حق رایت فیلم را خریده است مستقیم بتواند نامه رده و با ارائه مدرک، به بسته شدن آن کانال اقدام لازم را انجام دهد.

این تهیه‌کننده درباره جلوگیری پخش آثار سینمای ایران از شبکه‌های ماهواره‌ای نیز گفت: با مسئولان قوه قضاییه ایران باره صحبت‌هایی شده است تا بتوان جلوی این شبکه‌ها را گرفت زیرا مالکان این شبکه‌ها، ایرانی هستند و مسائل مالی آن‌ها از طریق پخش آگهی‌های تبلیغاتی انجام می‌شود.

«والدین امانتی» آماده نمایش می‌شود

حسین قناعت کارگردان سینما، از آماده شدن نسخه نهایی فیلم جدیدش به نام «والدین امانتی» تا حدود یک هفته آینده، خبر داد. او با اشاره به حضور این فیلم در جشنواره کودک و نوجوان، به باشگاه خبرنگاران جوان گفت: این فیلم پس از آماده شدن به دبیرخانه این جشنواره ارسال می‌شود. بیژن بنفشه‌خواه، شبنم قلی‌خانی، آنահیتا همتی، نادر سلیمانی و رامین ناصر نصیر از جمله بازیگرانی هستند که در آن به ایفای نقش می‌پردازند.

«قاموس» به ایستگاه پایانی رسید

فیلم‌برداری فیلم سینمایی «قاموس» به نویسندگی و کارگردانی علی براتی و تهیه‌کنندگی محمد فضلیه پس از ۵۰ جلسه به پایان رسید. به گزارش خبرگزاری صبا، مراحل فنی این فیلم سینمایی که در ژانر وحشت ساخته شده است، به‌زودی آغاز می‌شود. درسا بختار، ریحانه رضی، یدان، شادمانی، فرشته الوسی و نسا یوسفی، از جمله بازیگران «قاموس» هستند.

مستند «داغ قره‌باغ» منتشر شد

مستند «داغ قره‌باغ» که روایتی متفاوت از مناقشه قره‌باغ است از روز گذشته در سامانه‌های VOD سینمامارکت و فیلمگردی در اختیار مخاطبان قرار گرفت. «داغ قره‌باغ» به کارگردانی سینا حسین پور، جدیدترین تولید مرکز مستند سفیرفیلم است. این مستند هفتاد دقیقه‌ای روایتگر منازعه جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه کوهستانی «قره‌باغ» در دهه ۹۰ میلادی است. به گفته امیر مهر یزدان تهیه‌کننده «داغ قره‌باغ» این اثر حاصل زحمات دوساله یک گروه پژوهشگر درباره مناقشه قره‌باغ است و بسیاری از تصاویر و آرشیوهای این مستند برای نخستین‌بار مورد استفاده قرار گرفته است.

رونمایی از فیلم‌های مستند اربعین حسینی

هم‌زمان با نزدیک شدن به ایام اربعین حسینی، سازمان هنری رسانه‌ای اوج از جدیدترین بسته فیلم‌های موضوعی خود با محوریت مراسم معنوی پیاده روی اربعین رونمایی کرد. به گزارش ایسنا، این مجموعه شامل ۶ فیلم مستند «میهمان»، «پیشکش ایرانی»، «لیوان بین‌الرحمین»، «روز چهلم»، «از کاراکاس تا کربلا» و «عمره حیدری» است که به مناسبت فرارسیدن اربعین شهادت سید و سالار شهیدان در سامانه‌های اشتراک‌گذاری اینترنتی فیلم رونمایی و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته‌است.

«سایه‌تابان»؛ جدیدشبه‌ک نمایش خانگی

کاوه سجادی‌حسینی سریال «سایه‌تابان» را برای شبکه نمایش خانگی می‌سازد. فیلم‌نامه این اثر به تهیه‌کنندگی مجتبی متولی و بانویسندگی نوشین معراجی هم‌اکنون درحال بازنویسی است تا پس از آن عوامل بتوانند برای دریافت مجوز ساخت اقدام کنند.قصه «سایه‌تابان» در فضای ملودرام روایت می‌شود ولی در اصل یک تریلر جنایی، عاشقانه و نگاهش روانکاوانه است. کاوه سجادی حسینی در کارنامه خود کارگردانی فیلم‌های سینمایی «بی سرو و «بوفالو» را نیز دارد.

«نفوذ» با تأخیر روی آنتن می‌رود

سریال «نفوذ» به کارگردانی و نویسندگی جواد شمقدری به‌دلیل حجم بالای جلوه‌های ویژه بصری دی امسال آماده پخش می‌شود. به گزارش خبرگزاری فارس، محسن علی‌اکبری تهیه‌کننده سریال «نفوذ» با اعلام این خبر و با بیان اینکه «نفوذ» نیاز به ۲۵۰۰ دقیقه تروکاژ (جلوه‌های ویژه بصری) دارد، گفت: این مجموعه اولین سریال تلویزیونی است که با این حجم بالای تروکاژ آماده می‌شود و به محض آماده شدن سریال در جدول پخش قرار می‌گیرد. مجموعه تلویزیونی «نفوذ» وقایع بهمن ۵۷ تا آبان ۵۸ را در ۴۲ قسمت نشان می‌دهد.

در این سریال، از حضور بازیگران ایرانی چون، احمد نجفی، حمید گودرزی، رحیم نوروزی، علیرام نورایی، شهر لرسثانی و ماشاءالله شاه‌مرادی و همچنین چند بازیگر خارجی از کشورهای آلمان، بلغارستان و فرانسه استفاده شده است. بازیگران خارجی این سریال به زبان انگلیسی و با لهجه آمریکایی صحبت می‌کنند و این بخش‌ها با زیرنویس فارسی پخش خواهد شد.

«میهمان نیمه‌شب» روی صحنه

نمایش «میهمان نیمه‌شب» به نویسندگی و کارگردانی محمد ابراهیمی در فرهنگ‌سرای قرآن و عترت روی آنتن می‌رود. علیرضا فرزانه، محمد ابراهیمی، نیکی مشایخی، ندا تقدیریان، زهرا رحمانی، فریبا غلامی و روشنا آریافر از جمله بازیگران این نمایش هستند. اجرای نمایش «میهمان نیمه‌شب» از امشب آغاز می‌شود و تا ۲۶ مهر در آملی تئاتر فرهنگ‌سرای قرآن و عترت ادامه خواهد داشت. این فرهنگ‌سرا در خواجه‌ربیع ۷، بوستان بهار واقع شده‌است.

شهر

روزنامه‌ شهرامید وزندگی

۴شنبه ۱۶مهر۱۳۹۰ ۱۹مهر۱۳۹۰ شماره ۳۳۱

۱۵SHAHRAHNEWS.IR



فرهنگ و هنر